

نعمت الله فاضلی

انسان شناسی مدرن
در ایران معاصر

تاریخچه، تحولات، مسائل و چالش‌ها

سرشناسه	:	فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	انسان‌شناسی مدرن در ایران معاصر: تاریخچه، تحولات، مسایل و چالش‌ها / نعمت‌الله فاضلی.
مشخصات نشر	:	تهران: آس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۹ ص. م. س. ۵/۲۱ × ۱۴/۵:
شابک	:	978-622-6343-83-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۲۶۱] - ۲۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	انسان‌شناسی -- ایران Anthropology -- Iran
موضوع	:	انسان‌شناسی Anthropology
رده بندی کنگره	:	۲۵GN
رده بندی دیویی	:	۰۹۵۵/۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۵۱۵۴۴۴



دفتر انتشارات: خیابان انقلاب، خ فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۱۴

طبقه دوم، واحد ۳ تلفن: ۶۶۹۷۷۹۶۵، همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

www.sababook.ir

۰۹۳۶۳۷۲۵۸۰۰

انسان‌شناسی مدرن در ایران معاصر

تاریخچه، تحولات، مسائل و چالش‌ها

نویسنده: نعمت‌الله فاضلی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

ناشر: آس

چاپ و صحافی: خانه چاپ

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۴۳-۸۳-۱

کلیه حقوق مادی و معنوی برای انتشارات آس محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن بدون (چاپ فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: سیر تاریخی انسان‌شناسی غیردانشگاهی در ایران
۱۹	مقدمه
۲۲	انسان‌شناسی در گذشته
۲۳	ویژگی‌های مردم‌شناختی متون دوره ماقبل علمی
۳۲	تحقیقات فرهنگ عامه
۳۶	صادق هدایت
۴۵	فصل دوم: مروری انتقادی بر سیر انسان‌شناسی در ایران
۴۹	سنت‌های انسان‌شناسی ایران
۵۰	نگاه مردم‌شناختی محمدعلی جمالزاده
۵۵	چشم‌انداز مردم‌شناختی صادق هدایت
۵۸	انسان‌شناسی جلال آل احمد
۶۰	انسان‌شناسی دانشگاهی
۶۱	بررسی انتقادی عملکرد انسان‌شناسی ایران
۶۴	انسان‌شناسی و عرصه‌های نوین
۶۷	انسان‌شناسی بوم‌شناختی
۶۸	انسان‌شناسی اقتصادی

۶۸	انسان‌شناسی فمینیستی
۶۹	انسان‌شناسی حقوقی
۶۹	انسان‌شناسی تأویلی-تفسیری
۷۰	انسان‌شناسی پزشکی
۷۱	انسان‌شناسی موزه
۷۳	فصل سوم: انسان‌شناسی نوین ایران و مطالعات انسان‌شناسان غیرایرانی
۸۵	توسعه نهادی
۸۹	فصل چهارم: چالش‌ها و پرسش‌های انسان‌شناسی در ایران
۸۹	مقدمه
۹۱	انسان‌شناسی ایران به مثابه مسئله‌ای انسان‌شناختی
۹۸	مشکلات انسان‌شناسی ایران
۱۰۴	چالش‌های و پرسش‌های گفتمانی و پژوهشی انسان‌شناسی
	فصل پنجم: روش‌ها، راهبردها و مسائل آموزش
۱۱۱	انسان‌شناسی در ایران
۱۱۱	مقدمه
۱۱۳	طرح مسئله
۱۲۰	چرا تدریس کنیم؟
۱۲۶	چه چیزی را تدریس کنیم؟
۱۲۹	چگونه تدریس کنیم؟
۱۳۹	فنون و استراتژی‌های آموزش انسان‌شناسی
۱۴۲	نتیجه
۱۴۵	فصل ششم: بررسی انتقادی مطالعات فرهنگ مردم در ایران
۱۵۳	فصل هفتم: پیوندها و گسست‌های مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی
۱۵۳	طرح یک مشکل: نزاع بر سر مطالعات فرهنگی
۱۵۷	نزاع بر سر فرهنگ

۱۶۰	تحول انسان شناسی به سوی مطالعات فرهنگی
۱۶۲	تحول پارادایمی آموزش انسان شناسی
	انسان شناسی تفسیرگرا، انسان شناسی پست مدرن
۱۶۴	و مطالعات و مطالعات فرهنگی
۱۶۷	مردم نگاری و مطالعات فرهنگی
۱۷۱	خود-انسان شناسی و مطالعات فرهنگی
۱۷۷	فصل هشتم: بومی سازی علوم اجتماعی و انسان شناسی در ایران
۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	مسئله بومی
۱۸۳	شالوده شکنی گفتمان بومی
۱۸۸	بومی سازی و قدرت
۱۸۹	بومی شلین
۱۹۰	بومی بودن
۱۹۰	بومی گرایی
۱۹۱	بومی سازی
۱۹۱	بومی نگری
۱۹۱	نتیجه
	فصل نهم: وضعیت علوم اجتماعی و انسان شناسی
۱۹۵	در جهان اسلام و دانشگاه های عرب
۱۹۶	ساختار آموزش در دانشگاه های کشورهای عربی
۱۹۹	علوم اجتماعی در دانشگاه های کشورهای عرب
۲۰۲	انسان شناسی در دانشگاه های جهان عرب
۲۰۸	انسان شناسی بومی
	فصل دهم: بازاندیشی، خلاقیت و فردیت: راهی برای شکوفایی
۲۱۱	نظری علوم اجتماعی و انسان شناسی در ایران

۲۱۱	مقدمه
۲۱۶	علوم اجتماعی راهی برای تحقق خود
۲۱۹	علوم اجتماعی به مثابه سرمایه فرهنگی
۲۲۱	علوم اجتماعی به مثابه هنر
۲۲۷	علوم اجتماعی: بینش زیستن در جامعه مدرن
۲۲۹	علوم اجتماعی راهی برای تقویت تخیل اجتماعی
۲۳۰	چگونه به ارزش های فردی علوم اجتماعی آگاه شویم؟
۲۳۳	فصل یازدهم: انسان شناسی و مدرنیته ایرانی
۲۴۵	انسان شناسی و ظهور رضا شاه پهلوی
۲۴۸	انسان شناسی در دوره محمدرضا پهلوی
۲۵۰	انسان شناسی و تحولات آن بعد از انقلاب اسلامی
۲۶۱	کتاب شناسی
۲۷۳	نمایه

مقدمه

کتاب حاضر، تلاشی است برای فهم چیستی، چرایی، چگونگی، چالش‌ها و چاره‌ها در انسان‌شناسی ایران از گذشته تا امروز و، در نهایت، تلاش برای توسعه آن از امروز تا فردا. این تلاش با این پیش‌فرض انجام شده که توسعه تمام دانش‌ها، اعم از علوم دقیقه تا علوم انسانی و اجتماعی، در هر نقطه از جهان، مستلزم فهم و ارزیابی انتقادی، دقیق و مستمر وضعیت گذشته و حال و ترسیم هدف‌ها و آرمان‌های آینده آن است. انسان‌شناسی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

رویکرد غالب در این کتاب، انسان‌شناسی انسان‌شناسی است. به این معنا که در تمام فصول این کتاب، نگارنده تلاش کرده‌ام تا رویکردی درونی به انسان‌شناسی به‌طور عام و انسان‌شناسی به‌طور خاص در ایران داشته باشم. مراد از رویکرد درونی این است که سعی کرده‌ام از زاویه دید و چشم‌انداز یک کنش‌گر ایرانی که قریب به دو دهه در اجتماع دانشگاهی و علمی ایران در زمینه علوم اجتماعی و انسان‌شناسی به تحصیل، تدریس و تحقیق مشغول بوده است، تجربه زیسته‌ام را در زمینه انسان‌شناسی توصیف و تحلیل نمایم. همچنین تلاش کرده‌ام تا حد ممکن رویکردی انتقادی به موضوع مورد بررسی‌ام اتخاذ کنم. در این رویکرد، توجه‌ام به توضیح و تحلیل مسائل و چالش‌های این رشته و گفتمان انسان‌شناسی در ایران بوده است. یعنی به‌جای

ارائه توصیف‌های خام و کلی از وضعیت این دانش، تلاش کرده‌ام نسبت این دانش با جامعه ایران را توضیح داده و موانع و مشکلات ساختاری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در زمینه پژوهش و تدریس در این رشته را توضیح دهم. این رویکرد را نگارنده در کتاب *ابعاد سیاسی فرهنگ در ایران: انسان‌شناسی، سیاست و جامعه در ایران قرن بیستم* (۲۰۰۶) به نحو مبسوط تشریح کرده‌ام. از آن‌جا که این کتاب به زبان انگلیسی منتشر شده و تاکنون به فارسی ترجمه نشده است، بر آن شدم تا ایده‌هایم در زمینه انسان‌شناسی ایران را به صورت کتاب حاضر در اختیار علاقه‌مندان به حوزه انسان‌شناسی قرار دهم. البته کتاب حاضر کاملاً متفاوت با کتاب مورد اشاره است.

فصل نخست کتاب اگرچه مروری کلی بر تمام تاریخ شکل‌گیری و توسعه انسان‌شناسی در ایران از ابتدا تا عصر حاضر است، اما تمرکز عمده آن بر توضیح و تحلیل متون و منابع انسان‌شناسی ایرانی قبل از عصر کنونی است. در این فصل متون و نوشته‌های انسان‌شناسانه در لابلای متون جغرافیایی، تاریخی، دینی، ادبی و علمی، معرفی و تحلیل شده است. تقریباً این اجماع بین مورخان انسان‌شناسی وجود دارد که مرحله نخست شکل‌گیری دانش انسان‌شناسی در تمام ملت‌ها مرهون مورخان، ادبا و سیاست‌مداران و جغرافی‌دانان است. محمود روح‌الامینی این مرحله را «مردم‌شناسی بدون مردم‌شناس» نامیده است. در فصل نخست علاوه بر تشریح این مرحله از انسان‌شناسی ایران، تداوم این سنت انسان‌شناختی توسط ادبا و محققان فرهنگی مانند محمدعلی جمالزاده، جلال آل احمد و مهم‌تر از همه صادق هدایت را توضیح داده‌ام.

فصل دوم کتاب به بررسی انتقادی سنت‌های موجود انسان‌شناسی در ایران اختصاص دارد. نگارنده این سنت‌ها را از منظر نقش و جایگاه آن‌ها در جامعه ایران معاصر دیده و ارزیابی کرده است. از این دیدگاه، سه جریان یا سنت عمده انسان‌شناسی ایران عبارتند از: سنت انسان‌شناسی اسلامی-ایرانی، انسان‌شناسی دانشگاهی و انسان‌شناسی غیررسمی. در این نوشته بر اساس میزان التزام و توجه انسان‌شناسی به جامعه و فرهنگ ایران، جریان‌های سه‌گانه فوق را به دو دسته «انسان‌شناسی متعهد» و «انسان‌شناسی بی‌هدف» تقسیم

کرده‌ایم. آن‌گاه آسیب‌ها و نقدهای وارد بر انسان‌شناسی بی‌هدف و ضرورت‌های جامعه امروز ایران برای توجه به انسان‌شناسی به‌عنوان دانش بررسی علمی فرهنگ توضیح داده شده است. برجستگی و تأکید اصلی این فصل بر توضیح امتیازات مطالعات انسان‌شناختی ادبای ایرانی از جهت سهم آن‌ها در ارائه دیدگاهی فرهنگی برای شناخت جامعه ایران است. همچنین در این فصل، ضمن نقد و تحلیل وجوه آسیب‌شناختی مطالعات انسان‌شناختی دانشگاهی در ایران، حوزه‌های تخصصی انسان‌شناسی که از منظر انسان‌شناسان ایرانی مغفول مانده، توضیح داده شده است.

فصل سوم کتاب با عنوان «انسان‌شناسی نوین ایران» به بررسی و معرفی مطالعات اتنوگرافیک یا مردم‌نگارانه نظام‌مند و روش‌مند نوین جامعه ایران اختصاص دارد. این مطالعات ابتدا توسط اروپایی‌ها شکل گرفت و سپس محققان ایرانی آن را توسعه دادند. بخش عمده این مطالعات به شناخت جامعه عشایری ایران اختصاص دارد، بنابراین سهم چندانی در شناخت کلیت جامعه ایرانی ندارند. این فصل نوشته براین استوار از انسان‌شناسان آمریکایی است که خود در بین عشایر بلوچستان ایران کار میدانی انجام داده است. در این فصل گزارش نسبتاً کاملی از مطالعات مردم‌نگارانه انسان‌شناسان غیرایرانی حاضر در ایران تا دهه ۱۹۸۰ میلادی را می‌توان مشاهده کرد. از این دهه به بعد، حضور انسان‌شناسان غیرایرانی به علت تحولات ناشی از انقلاب اسلامی کم‌رنگ شده است. طی چند دهه اخیر، بسیاری از مطالعات این انسان‌شناسان منتشر و برخی از آن‌ها نیز به زبان فارسی ترجمه شده است. این مطالعات هرچند ممکن است از نظر ایران‌شناسی یا مطالعات فرهنگی اهمیت چندانی نداشته باشند، اما از منظر تاریخ انسان‌شناسی ایران و نیز از جهت سهم کلی که در تاریخ انسان‌شناسی دارند، حائز اهمیت است. علاوه بر این، این مطالعات نمونه‌های خوبی از شناخت مردم‌نگاری و کارمیدانی در معنای کلاسیک آن است.

فصل چهارم به چالش‌ها و پرسش‌های انسان‌شناسی در ایران اختصاص دارد. اگرچه عنوان فصل اشاره به کلیت انسان‌شناسی دارد، با وجود این، کانون اصلی این فصل تحلیل انتقادی مسائل تولید علم و پژوهش انسان‌شناسی در

ایران است. تلاش کرده‌ام با تکیه بر دو دهه تجربه‌های زیسته آموزشی، پژوهشی و مدیریتی در زمینه‌های علوم اجتماعی و به‌خصوص انسان‌شناسی در ایران و، همچنین، با توجه و استفاده از مطالعاتی که در این زمینه موجود است یا نگارنده انجام داده‌ام، مشکلات پژوهش انسان‌شناختی را در ایران بررسی کنم. برای این کار اولاً به دوره‌بندی تاریخی انسان‌شناختی در ایران پرداخته‌ام و سپس مسائل اصلی هر دوره را توضیح داده‌ام. ثانیاً در ابتدای این رویکرد، نظری مطرح کرده‌ام و در آن به بررسی انسان‌شناسی ایران به‌مثابه مسئله‌ای انسان‌شناختی پرداخته‌ام. این رویکردی است که کل این کتاب بر آن استوار شده است. سپس در بخش دوم، دیدگاه‌های موجود درباره مشکلات انسان‌شناسی در ایران را بیان می‌کنم، و در پایان چالش‌های گفتمانی انسان‌شناسی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

فصل پنجم به تحلیل وضعیت آموزش انسان‌شناسی در ایران اختصاص دارد. مباحث آموزش دانشگاهی کم‌تر موضوع بحث و گفت‌وگوهای محققان مسائل آموزش عالی ایران در طی سال‌های اخیر بوده است. اغلب کسانی که درباره مسائل علوم انسانی و اجتماعی سخن می‌گویند به چالش‌های پژوهشی آن یا چالش‌های سیاسی توجه کرده‌اند. در این فصل نگارنده تلاش کرده‌ام تا با بررسی و گردآوری تجارب آموزشی برخی اساتدان انسان‌شناسی و تجربه‌های عملی آموزشی خودم که از سال ۱۳۷۰ تاکنون در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌کنم، روش‌ها و فنون تدریس انسان‌شناسی و نیز اهداف، کاربردها و موضوعات مهم در تدریس این دانش را معرفی و تحلیل نمایم. در این فصل همچنین برخی راهبردها و روش‌های تدریس انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی توضیح داده شده است. البته فنون و روش‌ها، استراتژی‌ها، اهداف و موضوعات معرفی شده اگرچه معطوف به رشته انسان‌شناسی هستند، اما می‌توان این تجارب را تا حدودی حداقل برای تمام رشته‌های علوم اجتماعی نیز به‌کار برد.

فصل ششم به معرفی و نقد مطالعات فرهنگ مردم در ایران از ابتدای پیدایش این مطالعات (در آغاز قرن بیستم) به امروز اختصاص دارد. بخش اعظم مطالعات انسان‌شناسی در ایران به گردآوری فرهنگ مردم یا فولکلور

اختصاص دارد. هدف ما از بررسی انتقادی تجزیه و تحلیل مفروضات نظری معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه از منظر انسان‌شناسی و، چگونگی کاربرد فنون گردآوری اطلاعات و شیوه‌های تجزیه و تحلیل آن‌هاست. استدلال کلی این فصل این است که در طی یک صد سال گذشته، جامعه ایران تحت تأثیر فرایندهای تحولی مانند شکل‌گیری دولت مدرن، سیاست‌ها و برنامه‌های نوسازی فرهنگی و اجتماعی، شکل‌گیری و گسترش دانش‌های مدرن از جمله علوم اجتماعی و انسان‌شناسی و گسترش روابط و مبادلات ایران و غرب و به‌خصوص تحت تأثیر مطالعات شرق‌شناسان، حوزه مطالعات انسان‌شناسی و فرهنگ عامه در ایران شکل گرفته و گسترش یافته است. اگرچه این مطالعات تا حدودی روند تکاملی طی کرده و امروزه نسبت به گذشته از انسجام، روایی و اعتبار علمی بیشتری برخوردارند، اما از کاستی‌های بسیاری رنج می‌برند که برای توسعه این مطالعات باید به نقد مبانی روش‌شناختی و معرفت‌شناختی آن‌ها پرداخت. در عین حال این مطالعات تاکنون مجموعه‌ای از دستاوردهای مهم در زمینه این دانش در ایران داشته‌اند که باید نسبت به آن‌ها وقوف و خودآگاهی داشت. این فصل تلاش می‌کند تا این دو مهم را به دست دهد.

فصل هفتم به تبیین نسبت‌های بین انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی اختصاص دارد. مطالعات فرهنگی دانش نسبتاً نوپایی است که مدعی مطالعه فرهنگ حوزه شناخته شده انسان‌شناسی را دارد. در عین حال این دانش نوپا به‌مثابه دانش میان‌رشته‌ای، از یک‌سو تمام دانش‌های اجتماعی از جمله انسان‌شناسی را از نظر روش‌شناختی و معرفت‌شناختی به چالش کشیده و، از سوی دیگر، انسان‌شناسی نیز طی سه دهه گذشته دستخوش تغییرات گسترده‌ای از نظر قلمرو فعالیت و ظهور رویکردهای تازه بوده است. در این فصل، تلاش شده تا این تحولات را تحلیل کرده و نسبت انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی را توضیح دهیم.

فصل هشتم به تحلیل گفتمان بومی‌سازی به‌مثابه مهم‌ترین بحث چالش‌برانگیز و معماگونه علوم اجتماعی و انسان‌شناسی در تمام جوامع غیرغربی و از جمله ایران اختصاص دارد. این فصل، بررسی و تحلیل گفتمان از

آرا و دیدگاه‌های مختلف در زمینه بومی‌سازی علوم اجتماعی و انسان‌شناسی در ایران است. هدف اصلی این بررسی، بیان اجمالی نحله‌های مختلف در زمینه بومی‌سازی و نقد آن‌ها و، ارائه یک دیدگاه متفاوت برای فهم بومی‌سازی براساس تفکیک مفهومی بومی‌سازی است.

رویکرد من در این بررسی بر مبنای مطالعات فرهنگی است. در این رویکرد، تبیین موضوعات از نظر پیوندهای مختلف بین قدرت و فرهنگ اهمیت دارد. بنابراین تلاش کرده‌ام تا با تفکیک مفاهیم مختلف در گفتمان بومی، مانند بومی‌بودن، بومی‌شدن، بومی‌سازی، بومی‌گرایی و بومی‌نگری وجوه قدرت آشکار و پنهان در گفتمان بومی را توضیح دهم و به جای موضع‌گیری مبتنی بر نفی یا اثبات آن، نشان دهم که در معنایی می‌توان به فرایند بومی‌سازی علوم اجتماعی پرداخت. برای تدوین این فصل، عمدتاً به مباحثی که در دو همایش تخصصی در زمینه بومی‌سازی علوم اجتماعی در ایران برگزار شد تکیه کرده‌ام. همایش نخست در روز ۲۵ اسفند ۱۳۸۵ در «کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا» توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تهران برگزار شد. در این کنگره، یک نشست تخصصی ویژه بومی‌سازی علوم اجتماعی تشکیل شد که در آن بیست تن از محققان علوم اجتماعی از ایران شرکت داشتند. دومین همایش در ۸ خرداد ۱۳۸۶ با نام «علم بومی و علم جهانی: امکان یا امتناع؟ یادمان پرفسور سید حسین عطاس» بود که انجمن جامعه‌شناسی ایران آن را برگزار کرد. نگارنده در هر دو همایش مشارکت داشتم و براساس یادداشت‌هایی که از سخنرانی‌های این همایش‌ها برداشتم و همچنین رجوع به خلاصه مقالات همایش دوم، این فصل را تدوین کرده‌ام. علاوه بر این، به منابع لازم در این زمینه یعنی متونی که به بحث بومی‌سازی علوم اجتماعی پرداخته‌اند تا حد ممکن رجوع کرده‌ام. به هر حال، این بررسی داعیه آن را ندارد که ضرورتاً تمام ایده‌های مطرح در گفتمان بومی‌سازی در ایران را بازخوانی و بازاندیشی کرده است.

فصل نهم ترجمه‌ای است از گزارشی توصیفی از وضعیت انسان‌شناسی در دانشگاه‌های جهان عرب. نویسنده این گزارش خود استاد انسان‌شناسی در

دانشگاه‌های عربی است و سال‌هاست که به تدریس این حوزه مشغول است. ارزش این فصل ارائه بینشی تطبیقی از وضعیت انسان‌شناسی در ایران با کشورهای نسبتاً مشابه ماست. این فصل نشان می‌دهد که مشکلات پژوهشی و آموزشی این رشته در ایران و کشورهای عربی، کم‌وبیش مشابه است، اگرچه در برخی زمینه‌ها مانند انتشار نشریات علمی، تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای و توسعه این رشته، ایران وضعیت مطلوب‌تری دارد.

فصل دهم به موضوعی نسبتاً متفاوت از بحث‌های گذشته اختصاص دارد. در این فصل به بررسی نقش فردیت و خلاقیت در انسان‌شناسی و، از منظری عام‌تر، علوم اجتماعی پرداخته‌ایم. در این فصل دیدگاهی کاملاً متفاوت در زمینه کارکرد اجتماعی علوم اجتماعی ارائه شده و به جای تأکید بر کاربردهای ابزاری و اقتصادی این علوم، به نقش این دانش‌ها در زندگی فردی، تولید لذت، فضیلت و سرمایه فرهنگی کنش‌گران این رشته توجه شده است. به اعتقاد نگارنده، حلقه مفقوده علوم اجتماعی ایران، کنش‌گران علوم اجتماعی در کلیت فرایند آن‌هاست.

فصل یازدهم به بررسی نسبت بین انسان‌شناسی و مدرنیته ایرانی اختصاص دارد. این فصل خلاصه‌ای از رویکرد نگارنده نسبت به انسان‌شناسی در ایران است که در کتاب *ابعاد سیاسی فرهنگ در ایران: انسان‌شناسی، سیاست و جامعه در ایران قرن بیستم* (۲۰۰۶) تبیین شده است. در این فصل تلاش کرده‌ام نشان دهم که چگونه تحولات سیاسی یک قرن اخیر ایران مانند انقلاب مشروطه، روی کار آمدن خاندان پهلوی و انقلاب اسلامی، بر انسان‌شناسی در ایران و عمل‌کرد و توسعه آن تأثیر گذاشته است.

این کتاب نخستین کتابی است که به‌طور مستقل و انتقادی به بررسی تاریخ‌تکوین و توسعه انسان‌شناسی در ایران در ابعاد گوناگون آموزشی و پژوهشی می‌پردازد. پیش از این مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه منتشر شده است، اما منابع و متون موجود به بررسی حوزه خاصی مثلاً مطالعات فرهنگ مردم اختصاص دارند و، اغلب جنبه توصیفی و ارائه گزارش تاریخی دارند. ناگفته پیداست که در این کتاب نیز جنبه‌های بسیاری از وجوه انسان‌شناسی

ایران بررسی نشده است که نیازمند بررسی هستند. برخی از این ابعاد عبارتند از: مطالعات انسان‌شناختی ایرانیان مهاجر، موزه‌های انسان‌شناسی، بررسی جامع تاریخ مطالعات فرهنگ مردم و مطالعات انسان‌شناسی روستایی ایران. اگرچه در این کتاب موضوعات مذکور به صورت جسته و گریخته و گاه مبسوط اشاره شده است، اما تحلیل و شناخت این موضوعات همچنان نیازمند بررسی‌های مستقل و جداگانه است.

در پایان لازم از جناب آقای علیرضا جاوید که زمینه انتشار این کتاب را فراهم کردند و با دقت و حوصله آن را ویرایش نموده و متن را از نظر سبک نگارش منسجم و یک‌دست کردند صمیمانه تشکر و تقدیر می‌نمایم. از مدیریت انتشارات نسل آفتاب برای انتشار کتاب تشکر قلبی می‌کنم. همچنین لازم از جناب آقای دکتر محمد فاضلی که در نگارش فصل دوم این کتاب با نگارنده مشارکت داشتند قدردانی نمایم.

نعمت‌الله فاضلی

مهر ۱۳۸۸

www.ketab.ir